

فصل نامه علمی پژوهش نامه تاریخ اسلام
سال دهم، شماره سی و نهم، پاییز ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۷۰-۵۱

منبع شناسی آثار تاریخی ابن حبیب بغدادی (متوفای ۲۴۵)

عطیه شریعت نژاد کیاسری^۱
هادی عالم زاده^۲
یونس فرهمند^۳
معصوم علی پنجه^۴

چکیده

ابوجعفر محمد بن حبیب بغدادی (متوفای ۲۴۵) ادیب و مورخ سده سوم هجری است که در انساب، تاریخ، لغت و جمع آوری اشعار شاعران کوشیده است. اختصارنویسی، ذکر شماری از نامها در موضوعات گوناگون بدون ذکر منبع از ویژگیهای تاریخ نگاری او است. این پژوهش بر آن است تا دریابد که ابن حبیب در تدوین آثارش از چه منابعی بهره برده و چرا به ایجاز داده ها بسنده کرده است؟ یافته های پژوهش حاکی از آن است که ابن حبیب در تدوین *المحبر* و *المنمق* از تکیه گاههای مشایخ و هم عصرانش بهره برده؛ با این همه او صرفاً نقل کننده آثار نبوده و در اصلاح روایات دیگران کوشیده و گاه نظراتی متفاوت عرضه کرده است. از این رو تألیفات او از نوآوری تهی نیست. از او آثار دیگری با عناوین *اسماء المعتالین من الاشراف فی الجاهلیة و الاسلام*، *مختلف القبائل و مؤلفها*، *کنی الشعراء* و *من غلبت کتبه علی اسمیه* به جا مانده است.

کلیدواژه ها: ابن حبیب بغدادی، تاریخ نگاری اسلامی، *المحبر*، *المنمق*.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

shariatnejad.63@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول)

hd.alemzadeh@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. Farahmand@srbiau.ac.ir

۴. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. panjeh@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۲۵

درآمد

ابن حبیب بغدادی در نیمه نخست سده سوم هجری می‌زیسته است. در روزگار او که مورخان هم‌چنان الگوی اهل حدیث را پی گرفته و با دقتی بسیار در ذکر سلسله اسانید، تک‌نگاشت‌هایی تدوین می‌کرده‌اند، شاخصه تاریخ‌نگاری ابن حبیب اختصارنویسی و عرضه صرف نام شماری از افراد در موضوعات گوناگون بی‌ذکر منبع است. تفاوت سبک ابن حبیب در تدوین و ارزش داده‌های آثارش که غالباً در تاریخ اجتماعی و فرهنگی عرب جاهلی و صدر اسلام است، موجب شده تا محققان در شناسایی منابع آثار ابن حبیب در دیدگاهی کلان‌گام او را یک‌سره و ام‌دار تک‌نگاشت‌های دیگران بدانند (روزنتال، ۸۷/۱) و گاه داده‌های وی را بر مبنای حافظه شخصی‌اش و در جهت تاریخ‌سازی فرهنگی بخوانند (Bray, ۲۱).

نظر بر این که در بررسی و نقد وثاقت داده‌های ابن حبیب شناخت مآخذ آثار و شیوه گردآوری و بهره‌گیری از آنها حائز اهمیت‌اند این مقاله بر آن است تا دریابد که او در نگارش و تدوین آثار تاریخی خود از چه منابعی بهره برده و چرا به اختصارنویسی روی آورده و از ذکر سلسله اسانید امتناع کرده است؟ در این نوشتار برای پاسخ به این پرسش عناوین و محتوای آثار ابن حبیب با تألیفات به جای‌مانده از پیشینیان، مشایخ و هم‌عصرانش مقایسه و منابع اطلاعات و اکاوی و نحوه بهره‌گیری وی از تألیفات دیگران تحلیل شده است.

پیشینه پژوهش

به‌رغم تحقیقات در خور توجهی که در ارتباط با زندگی علمی و اجتماعی ابن حبیب صورت گرفته، اما هیچ یک به لحاظ مندرجات، رویکرد و اهداف با پژوهش حاضر انطباق و هم‌پوشانی ندارد. ا. ل. اشتاتر (۱۹۳۹م) در مقاله‌ای با عنوان «محمد بن حبیب و کتاب‌اش /المحبر»^۱ پس از معرفی ابن حبیب ذیل عنوان منابع و اسناد به سلسله اسانید ذکر شده در اثر و استادان او پرداخته و احتمال داده که منبع عمده وی در

1. Muhammad ibn habib and his kitab al-muhabbar

مباحث نسب‌شناسانه کتاب *جمهرة النسب* تألیف هشام بن محمد کلبی است. دلاویدا (۱۹۴۲م) در مقاله «مادرنام‌های شاعران نوشته محمد بن حبیب»^۱، محتوای اثری از ابن حبیب با عنوان *من نسب الی امه من الشعراء* را بررسی کرده و بی آن که به مقایسه آثار ابن حبیب و هشام بن محمد کلبی بپردازد، احتمال داده است *جمهرة النسب* ابن کلبی منبع عمده ابن حبیب در تدوین این اثر است. خورشید احمد فاروق (۱۴۰۵) در مقدمه *المنمق فی اخبار قریش* پس از معرفی زندگی علمی و اجتماعی ابن حبیب به منابع وی در تدوین آثارش پرداخته، اما معلوم نیست مبنای وی چه بوده؛ زیرا اغلب منابعی که معرفی شده مفقود است و در باب آن دسته از منابع موجود نیز در شناخت اشتراکات میان آثار، مطالعه‌ای جدی صورت نداده است. عبد مشالی (۲۰۱۶م) در مقاله‌ای با عنوان «ابن حبیب بغدادی دراسة فی منهجه و موارد کتاب المنمق مثلاً» به زندگی علمی، سیاسی و اجتماعی ابن حبیب پرداخته و سپس به مواردی نظیر شیوه ابن حبیب در *المنمق*، آیات قرآن، احادیث مذکور در اثر، روایان و شعرایی که ابن حبیب از ایشان نام برده توجه کرده است. با این همه در این مقاله نخست منابع ابن حبیب در *المنمق* و *المحبر* و سپس دیگر آثار او بررسی و ارزیابی خواهد شد.

منابع المنمق فی اخبار قریش

در *المنمق* از عباراتی نظیر «در کتاب ابو عمرو شیبانی آمده» و «در کتاب‌ها خوانده‌ام که» (ابن حبیب، *المنمق*، ۱۵۴، ۲۲۱) پیدا است که ابن حبیب در نگارش این اثر بیش از آن که متکی بر حافظه‌اش باشد؛ آثاری در اختیار داشته است. نظر بر این که تدوین تک‌نگاشت‌هایی پیرامون اخبار قریش در عصر نخست خلافت عباسی رایج بوده و گاه نام مؤلفانی نظیر واقدی، ابن شهاب زهری، کلبی، ابوالبختری و ابن ابی‌ثابت زهری، ابو عبیده معمر بن مثنی و ابن کلبی در عناوین موضوعات آمده (همو، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۸۰، ۱۸۹، ۲۳۶، ۲۷۳)، محتمل است که ابن حبیب در تدوین *المنمق* از تک‌نگاشت‌های آنها بهره برده است؛ چنان که پیمان‌های *أحاییش*، *مطیبین* و *فصول* از

1. Muhammad ibn Habibs "MATRonymics OF POETS

ابن ابی ثابت زهری (متوفای ۱۹۷) که صاحب اثری مستقل با عنوان *الأخلاف* (ابن ندیم، ۱۵۷) بوده، روایت شده است (ابن حبیب، *المَنَمَقُ*، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۸۲-۲۹۱).

هشام بن محمد بن سائب کلبی نیز در اخبار قریش آثاری نظیر *حِلْفُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ خِزَاعَةُ بَنِي قُرَيْشٍ*، *حِلْفُ الْفُضُولِ وَ قِصَّةُ الْعِزَالِ*، *أَلْقَابُ قُرَيْشٍ*، *الْمُنَافِرَاتِ*^۱، *شَرَفُ قُصَيِّ بْنِ كِلَابٍ وَ وَكَلِهِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْإِسْلَامِ*، *جِنِّ نَوَافِلِ قُرَيْشٍ وَ صَنَائِعِ قُرَيْشٍ* را تألیف کرده (ابن ندیم، ۱۴۳) و ابن حبیب داستان قُصَيِّ؛ فضائل عباس بن عبدالمطلب؛ وجه تسمیه قُصَيِّ؛ منافره عبدالمطلب و حَرْبِ بن اُمیّه؛ منافره مالک بن عُمیلّه؛ داستان بنی سهم در کشتن مارها و انتقام جنیان از آنها؛ داستان ندا دهنده‌ای از کوه ابوقُبَیس؛ پیمان مُطَیِّبِین و هم‌پیمانان؛ حدیث سُهیل بن عمرو؛ داستان مرگ ولید بن مُغیره؛ سبب اسلام حمزه بن عبدالمطلب را از او روایت کرده است (ابن حبیب، *المَنَمَقُ*، ۲۲، ۲۹، ۳۱، ۳۵، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۸۱، ۸۵، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۸۹، ۱۹۳، ۲۱۷، ۲۲۵، ۲۸۲، ۳۲۹، ۳۴۰، ۳۶۰، ۳۶۳، ۴۰۱).

تشابه عناوین آثار ابن کلبی با موضوعات *المنمق* و نقل روایاتی از او در همان موضوعات افزون بر این که حاکی از تأثیرپذیری فکری ابن حبیب از استادش ابن کلبی است، بیان‌گر تلاش‌های وی در گردآوری تکنگاشتهای پراکنده با موضوع قریش در مجموعه‌ای مستقل است و از آنجا که هیچ یک از آثار مذکور در دست نیست ارزش *المنمق* آشکار می‌شود.

ابوعبیده معمر بن مثنی نیز در اخبار عصر جاهلیت آثاری نظیر *الْمُنَافِرَاتِ*، *خَبَرِ الْبَرَاضِ*، *الْأَيَّامِ وَ الْخُمْسِ وَ الْقَبَائِلِ* (ابن ندیم، ۸۰) را تدوین کرده و *الْأَيَّامِ* او منبع ابن حبیب در نقل فجار چهارم، روز عَبْلَاءِ، روز شَرْبِ، پیمان اوس و قریش بوده است (ابن حبیب، *المَنَمَقُ*، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۵، ۲۶۹). مقایسه داده‌های ابوعبیده در *الْأَيَّامِ الْعَرَبِ* با آنچه ابن حبیب از او روایت کرده حاکی از آن است که از نظر لفظ، متفاوت از هم‌اند و ابن حبیب صرفاً خلاصه‌ای از روایات *الْأَيَّامِ الْعَرَبِ* را با حذف اشعار مربوط به هر یک از

۱. ذیل نفر: مُنَافَرَة به معنای حاکم شدن بر کسی با فخر در حسب و نسب است (ابن منظور، ۵/ ۲۲۶).

روزها نقل کرده است (ابن حبیب، المَنَمَق، ۱۸۰-۱۸۵؛ معمر بن مثنی، اَیام العرب، ۲/ ۵۰۷-۵۲۶). بدین ترتیب ابن حبیب در نقل ایام وامدار تألیفات ابو عبیده معمر بن مثنی است؛ با این حال از این منظر که المَنَمَق اثری با موضوعات متنوع در اخبار قریش است، نه صرفاً ایام، در این باره به ایجاز داده‌های ابو عبیده بسنده کرده است.

از دیگر موضوعات مورد توجه ابن حبیب در المَنَمَق اسامی اسب‌های قریش است (ابن حبیب، المَنَمَق، ۴۰۶-۴۲۰). مطابق با آنچه در الفهرست آمده ابن حبیب صاحب اثری مستقل با عنوان اَنَسَابُ الْاَیْلِ و الْخَیْلِ بوده و پیش از وی نیز استادانش آثاری با نام‌های اَنَسَابُ الْخَیْلِ فِی الْجَاهِلِیَّةِ و الْاِسْلَام از ابن کلبی، الْخَیْلِ از ابو عبیده معمر بن مثنی و اَسْمَاءُ خَیْلِ الْعَرَب و قُرَآنِهَا از ابن الاعرابی در این باره تدوین کرده‌اند (ابن ندیم، ۸۰، ۱۴۱، ۱۵۵).

ابن کلبی در اَنَسَابُ الْخَیْلِ پس از ذکر سلسله اسانید، بیان مطالبی در تکریم اسب در جاهلیت و اسلام و نقل آیاتی از قرآن و احادیثی از پیامبر، ۱۵۷ اسب معروف در زمان جاهلیت و صدر اسلام را معرفی کرده که صرفاً در هشت مورد با المَنَمَق مشترک است و در این موارد نیز ابن حبیب خلاصه‌ای از روایت ابن کلبی را نقل کرده و گاه تلفظ و نام اسب‌ها متفاوت از هم‌اند. برای نمونه ابن کلبی لِزَاز، لِحَاف، مُرْتَجِز، سَكَب و یَعْسُوب را اسب‌های پیامبر ﷺ دانسته و ابن حبیب ظَرْب، لِزَاز، سَكَب، مرتَجِز و لَحِیف را اسب‌های پیامبر ﷺ معرفی کرده است (ابن کلبی، اَنَسَابُ الْخَیْلِ، ۸؛ ابن حبیب، المَنَمَق، ۴۰۶). ضمن این که گاه در نام صاحبان اسب‌ها اختلاف نظر دیده می‌شود. ابن کلبی «لَطِیم» را اسب ربیعہ بن مُکَدَّم و «ذوالعُنُق» را اسب مقداد معرفی کرده، اما ابن حبیب «لَطِیم» را اسب عبدالله بن عمر بن خطاب دانسته و نام اسب مقداد را «ذوالعُنُق» ضبط کرده است (ابن کلبی، اَنَسَابُ الْخَیْلِ، ۱۰، ۳۹؛ ابن حبیب، المَنَمَق، ۴۰۸). ابن کلبی «یَعْسُوب» را نام اسب پیامبر ﷺ و زبیر بن عَوَّام دانسته، اما ابن حبیب «یَعْسُوب» را در شمار اسب‌های پیامبر ﷺ نیاورده و صرفاً آن را نام اسب زبیر بن عوام معرفی کرده است (ابن کلبی، اَنَسَابُ الْخَیْلِ، ۸، ۱۰؛ ابن حبیب، المَنَمَق، ۴۰۸). در مقایسه مذکور معلوم شد که ابن حبیب صرفاً متکی بر نوشته‌های دیگران نبوده؛ بلکه

تبحر وی در موضوعات نسب‌شناسانه سبب شده تا در اسامی و ضبط دقیق کلمات آنچه را که در نظرش مطابق با واقع است عرضه نماید؛ حتی اگر مخالف با دیدگاه استادانش باشد.

ابن اعرابی (متوفای ۲۳۱) در *آسماء خَیْلِ الْعَرَبِ وَفُرْسَانِهَا* در دو عنوان «تَسْمِیَةِ خَیْلِ بَنی هَاشِمٍ» و «خَیْلِ قُرَیْشٍ» با ذکر سلسله اسانید از ۱۷ تن از افراد و اسب‌هاشان یاد کرده و ابن حبیب ذیل عنوان «اسماء خیل قریش» بی ذکر سند، ۱۹ تن را معرفی کرده که نام ۱۰ تن در دو اثر مشترک است و حتی با این که ابن حبیب از شاگردان و راویان ابن اعرابی است (ازهری، ۲۱/۱؛ ابن ندیم، ۱۵۵)، ابن اعرابی در دو مورد ذیل اسامی اسب‌های پیامبر ﷺ و زبیر بن عوّام را از ابن حبیب بغدادی نقل قول کرده است (ابن اعرابی، ۸۰، ۸۲).

آنچه ذیل نام پیامبر ﷺ، جعفر بن ابی طالب، حمزة بن عبدالمطلب، مقداد بن عمرو، مُسَافِع بن عبدالعزی، مُحَرِّز بن نُضَلَّة آمده از نظر لفظ و معنا مشابه است (ابن اعرابی، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۵؛ ابن حبیب، المنمق، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹). با این همه در مواردی اسامی اسب‌ها به دلیل تصحیف، متفاوت از یک‌دیگراند. برای نمونه ابن اعرابی نام اسب پیامبر ﷺ و ابوجهل را به ترتیب «ذاتُ الْبَغَالِ» و «مِجَاح» آورده، اما در المنمق «ذاتُ الْبَغَالِ» و «مِجَاح» ضبط شده است (ابن اعرابی، ۸۲، ۸۵؛ ابن حبیب، المنمق، ۴۰۸). در یک مورد نیز نام اسب‌ها کاملاً اختلاف دارد و ابن اعرابی نام اسب مَسْلَمَة بن عبدالملک را «ظِلٌّ» و ابن حبیب «رطل» آورده است (ابن اعرابی، ۸۶؛ ابن حبیب، المنمق، ۴۱۰).

به نظر می‌رسد عدم تقید ابن حبیب در ذکر اسانید به منزله بی‌اعتبار بودن نوشته‌های او نیست. وی در تدوین المنمق و امدار تک‌نگاشت‌هایی از مشایخ و هم‌عصرانش بوده و از آنجا که درصدد بوده تا تمامی تک‌نگاشت‌های نوشته شده در اخبار قریش را در المنمق گردآورد، به نقل خلاصه‌ای از روایات اکتفا کرده است. بیشتر آن تک‌نگاشت‌ها امروزه در دست نیست و صرفاً در المنمق نشانی از آنها یافت می‌شود؛ ضمن این که او در شناخت اسامی افراد صاحب نظر بوده و استادانش نیز گاه به وی استناد کرده‌اند.

منابع الْمُحَبَّر

المحبر اثری کشکولی و ترکیبی از گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری است که در ذیل ۱۷۵ عنوان، اطلاعاتی درباره سیره، نسب‌شناسی افراد، احوال زنان، تاریخ خلفاء، مثالب و مناقب اشخاص و اطلاعاتی در آداب و رسوم عرب ارائه کرده‌است. با این همه مؤلف تنها ۳۴ بار منبع اطلاعات خود را ذکر کرده که به نسبت تعداد موضوعات و حجم داده‌های ابن حبیب در المحبر این تعداد ناچیز است. از قراین پیدا است که فهرست نام‌های عرضه شده در المحبر صرفاً بر مبنای حافظه نبوده و ابن حبیب منابعی در اختیار داشته و با مقایسه میان آنها درصدی بوده تا شمار دقیق و کامل از اسامی افراد در موضوعاتی متنوع عرضه نماید؛ چنان که ذیل «نقبای رسول اکرم» آمده است: «ابن کلبی رافع بن مالک را در شمار نقبا نیاورده و به جای وی خارِجَة بن زید را نقیب معرفی کرده، اما حزامی بر عکس ابن کلبی خارِجَة را در شمار نقیبان آورده و رافع را ذکر نکرده است» (ابن حبیب، الْمُحَبَّر، ۲۷۱).

در باب شناسایی منابع ابن حبیب در تدوین المحبر ا.ل. اشتایتر معتقد است: «کشف منابع ابن حبیب در تدوین المحبر به دلیل شیوه وی در اسناد بسیار مشکل است؛ زیرا او در موارد نادری منابعش را ذکر کرده و سلسله اسنادها را نیاورده است. به نظر می‌رسد ابن کلبی اصلی‌ترین منبع ابن حبیب بوده است؛ البته مؤلف نامش را در اسناد خود نیاورده، بلکه در مواضعی به او اشاره کرده است. ابن حبیب راوی جَمَهَرَة النَّسَب ابن کلبی است و احتمالاً این اثر منبع عمده اطلاعات وی در متن‌های نسب‌شناسانه است» (Lichtenstadter, 19).

جَمَهَرَة النَّسَب، نسب‌نامه‌ای عام^۱ و از قدیم‌ترین انسَاب‌نگاشته‌های عرب است. المحبر در نگاه نخست در قالب ذکر سلسله نسب افراد و دیگری در ذیل موضوعاتی متنوع در زمینه علم انسَاب همانند جَمَهَرَة النَّسَب است. با توجه به این که جَمَهَرَة

۱. بر خلاف تبارنامه‌هایی که صرفاً به یک فرد یا قبیله‌ای خاص اختصاص دارند، در نسب‌نامه‌های عام تبار تمام قبایل عرب معرفی شده‌است.

النسب به روش مبسوط تدوین شده و به همراه نام و نسب افراد گاه اخبار و شرح حال مختصری از آنان نیز عرضه کرده، به نظر می‌رسد که منبع عمده ابن حبیب در تدوین المحبر باشد. مقایسه میزان اشتراکات و افتراقات المحبر با جمهرة النسب در اثبات درستی یا نفی این ادعا راه‌گشا خواهد بود.

توجه به نام مادر از موضوعات مشترک در جمهرة النسب و المحبر است. جمهرة النسب مانند اغلب آثار نسب‌شناسانه بر پایه نام مردان و فرزندان ذکور تدوین شده؛ با این حال نام مادر افراد نیز در تمام سطور آمده و در چند مورد نظیر کلاب بن مرة و عبدالمطلب بن هشام، مادران تا دو نسل و در خصوص پیامبر ﷺ تا شش نسل معرفی شده‌اند (ابن کلبی، جمهرة النسب، ۲۵/۱، ۲۸، ۲۹). ابن حبیب در المحبر ذیل معرفی پیامبر ﷺ، خلفای راشدین، اموی و عباسی بی ذکر نام پدر، به مادران آنها پرداخته و در تمامی موارد سلسله نسب را از جانب مادر معرفی و گاهی نسب‌شناسی را تا سیزده و در مواردی هفده نسل ادامه داده است (ابن حبیب، المحبر، ۱۵، ۱۹، ۲۳-۲۴). ابن کلبی تنها دختران پیامبر ﷺ را معرفی کرده؛ در حالی که ابن حبیب افزون بر معرفی دختران رسول خدا ذیل عناوین دامادهای خلفا (راشدین، اموی، عباسی)، دامادهای عبدالمطلب و دامادهای اصحاب شورا، ضمن پرداختن به روابط سببی افراد، نام دختران آنها را نیز ذکر کرده است (ابن کلبی، جمهرة النسب، ۳۰؛ ابن حبیب، المحبر، ۵۲-۶۵).

افراد شبیه به پیامبر ﷺ؛ افراد یک‌چشم؛ کسانی که به «مؤلفه‌القلوب» مشهور بوده‌اند و صاحب شرطگی از دیگر موضوعات مشترک در دو اثر است، با این حال تفاوت قابل ملاحظه‌ای در تعداد افراد معرفی شده مشاهده می‌شود. اسامی شبیهان به پیامبر ﷺ در جمهرة النسب دو نفر و در المحبر نه نفر؛ بخشندگان عرب در جمهرة النسب سه نفر و در المحبر ۶۷ نفر؛ یک‌چشمان در جمهرة النسب دو نفر و در المحبر ۲۸ نفر؛ مؤلفه‌القلوب در جمهرة النسب دو نفر و در المحبر ۱۶ نفر؛ صاحب شرطگان در جمهرة النسب هفت نفر و در المحبر ۶۱ نفر آمده است (ابن کلبی، جمهرة النسب، ۳۵، ۶۱،

۳۲، ۳۵، ۵۴، ۷۱، ۳۴۷، ۴۳، ۵۶، ۲۵۳، ۵۳، ۹۳، ۱۷۴، ۲۴۶-۲۴۷، ۴۱۵؛ ابن حبیب،
المحبر، ۴۶، ۱۳۷-۱۴۶، ۱۵۶-۱۵۷، ۳۰۲-۳۰۳، ۴۷۳-۴۷۳، ۳۷۳-۳۷۷.

محققان در مواردی المحبر را نقل مستقیم اثر دیگرش المنمق دانسته‌اند؛ در این باره محمد حمیدالله مصحح المحبر در خاتمه اثر عنوان کرده: «موضوع کتاب المحبر با المنمق یکی است و فصول متعددی از این دو اثر مشترک لفظی و معنایی است» (ابن حبیب، المحبر، ۵۱۱). خورشید احمد فاروق مصحح المنمق نیز معتقد است: «المنمق تهذیب و تنقیح نیست؛ گو این که ابن حبیب پیش‌نویسی را برای تدوین دیگر آثارش گردآورده باشد ... اغلاطی که در المنمق دیده می‌شود در المحبر نیست و برخی اشتباهات المنمق در المحبر اصلاح شده‌است» (ابن حبیب، المنمق، ۱۴-۱۵). با این حال از مقایسه آنها می‌توان دریافت که از ۱۷۵ عنوان مذکور در المحبر و ۱۶۶ عنوان ذکر شده در المنمق، تنها ۳۱ عنوان مشترک‌اند. در عنوان‌های مشترک نیز گاه روش عرضه اطلاعات و محتوا متفاوت است. در المحبر عناوین قبایل مطیین، قبایل حلف الفضول و رؤسای جنگ فجار در قالب شماری از نام‌ها بوده اما در المنمق به تفصیل ذکر شده‌اند (ابن حبیب، المحبر، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۶۹؛ همو، المنمق، ۵۰، ۵۲، ۱۵۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۱۸۶، ۱۸۹-۱۹۱). در المنمق مشاغل، مثالب و مناقب قریش همانند شیوه المحبر بی‌ذکر سند و به صورت شماری از نام‌ها است و در عناوینی نظیر حاکمان عرب و حاکمان قریش از بنی‌هاشم؛ زنادقه قریش؛ طعام‌دهندگان قریش؛ نادان‌های قریش؛ اشراف نابینا؛ اشرافی که یک چشم‌شان بینا بوده؛ کسانی که دوبین بوده‌اند؛ اشرافی که لنگ بوده‌اند؛ کسانی که به دلیل سرقت دستشان قطع شده؛ افراد مؤلفه القلوب و حواری پیامبر ﷺ اسامی مشابه‌اند با این تفاوت که نام برده‌شدگان در المحبر بیشتراند (ابن حبیب، المحبر، ۱۵۸، ۱۶۱، ۳۷۹-۳۸۱، ۲۹۶، ۳۰۲-۳۰۳، ۳۲۷-۳۲۹؛ همو، المنمق، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۰۴، ۴۰۵-۴۰۶، ۴۲۰، ۴۲۲). در عنوان «اشراف زیبارویی که به دلیل ترس از زنان بر چهره نقاب می‌نهادند» (ابن حبیب، المحبر، ۲۳۲؛ همو، المنمق، ۴۲۳) نیز اسامی متفاوت از یک‌دیگر است.

چنان که ملاحظه شد ابن حبیب در تدوین المحبر از منابع مکتوب بهره برده و از

آنجا که این اثر در حقیقت مجموعه‌ای از تک‌نگاشت‌هایی است که بیش از همه خصوصیات تبارشناختی اعراب را در بر دارد، می‌توان آن را با تألیفات مشایخ و هم‌عصرانش در این زمینه مانند *المثالب ابن کلبی* (متوفای ۲۰۴) و *المثالب هیثم بن عدی* (متوفای ۲۰۷) مقایسه کرد. *المثالب ابن کلبی* در موضوعاتی مانند اشرافی از قریش که به دلیل سرقت دستشان قطع شده؛ انواع ازدواج‌ها در عصر جاهلیت؛ نجبای نادان قریش؛ اشراف معلم و کسانی که مادرشان نصرانی، حبشی، یهودی، رومی یا سندی بوده‌اند، مشابه موضوعات مندرج در *المحبر* است و در اغلب موارد اسامی مذکور در دو اثر مشترک‌اند (ابن حبیب، *المحبر*، ۳۲۷-۳۲۸، ۳۰۵، ۲۵۵-۲۵۸، ۴۷۵، ۱۶۱؛ ابن کلبی، *المثالب*، ۱۱۴-۱۱۵، ۲۲۵-۲۲۷، ۲۳۸-۲۴۷، ۲۶۶-۲۶۸، ۳۲۹). موضوعات *المثالب* هیثم بن عدی در معرفی اشراف نایینا؛ کسانی که یک چشمشان را در جنگ از دست داده‌اند؛ کسانی که چشمشان دو بین است؛ کسانی که دندان‌هایی جلو برآمده داشته و زَنَادَقَه قریش با موضوعات *المحبر* مشابه است و حتی بیشتر اسامی مذکور در هر دو اثر مشترک است. با این تفاوت که نام برده‌شدگان در *المحبر* بیشتراند و دیگر این که هیثم بن عدی سلسله اسنادها را ذکر کرده، اما ابن حبیب بی سند و بی اشاره به منبع، اطلاعات را تکرار کرده است (جاحظ، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۰؛ ابن حبیب، *المحبر*، ۲۹۶، ۳۰۲، ۳۰۳). این مطلب حاکی از آن است که در روزگار ابن حبیب ارائه شماری از نام‌ها در موضوعات متنوع به عنوان یکی از شیوه‌های نقل روایت مرسوم بوده و از دیدگاه استادان ابن حبیب کاربرد این روش منافاتی با ذکر اسانید نداشته است. با این همه ابن حبیب با حذف منابع اطلاعات، در روشی متمایز با شیوه مشایخ‌اش، هم از مکتوبات آنها بهره برده و هم با مقایسه و تطبیق فهرست‌ها در تکمیل داده‌هایشان کوشیده است.

در خصوص آداب و رسوم عرب پیش از اسلام نیز آنچه ابن حبیب در معرفی بت‌های عرب در عصر جاهلیت آورده احتمالاً متأثر از ابن کلبی بوده، زیرا *الاصنام* ابن کلبی ظاهراً نخستین اثر مستقل در خصوص بت‌های مکه و جزیره العرب است. ابن کلبی در *الاصنام* از ۲۹ بت سخن گفته که در ذکر ۲۰ بت با *المحبر* مشترک است. او به

جنس، سدانّت، مکان و اشعاری که در وصف بت‌ها سروده شده، توجه داشته و غالباً اطلاعات مربوط به هر یک از بت‌ها در صفحات مختلف ارائه شده‌است، اما ابن حبیب در ساختاری منظم به مکان بت‌ها، سدانّت و تلبیه تمامی آنها پرداخته، همچنین در *المحبر* از بت‌هایی نظیر *مَرَحَب*، *ذوالکفّین*، *ذُرّیح*، *مُحَرَّق*، *جِهَار*، *منطبق*^۱، *ذواللبّا* و *سَعِیدَة* نام برده شده^۲ که در *الاصنام* نیامده است (ابن کلبی، *الاصنام*، ۵-۶۴؛ ابن حبیب، *المحبر*، ۳۱۱-۳۱۹).

افزون بر این موارد عناوین بسیاری از آثار مفقود ابن کلبی مشابه برخی از موضوعات *المحبر* است. گرچه مقایسه محتوایی میان این آثار ممکن نیست، اما مشابهت عناوین می‌تواند گویای الگوبرداری و تأثیرپذیری فکری ابن حبیب از استادش ابن کلبی باشد. ابن کلبی دربارهٔ امور و رسومی که در جاهلیت معمول و موافق با حکم اسلام بوده و معرفی بازارهای عرب آثاری با عناوین «*كَانَتْ الْجَاهِلِيَّةُ تَفْعَلُهُ وَيُؤَافِقُ حَكَمَ الْإِسْلَامِ وَاسْوَاقُ الْعَرَبِ*» تدوین کرده (ابن ندیم، ۱۴۱، ۱۴۲) که احتمالاً از منابع ابن حبیب در معرفی سنت‌های عصر جاهلیت و آنچه در اسلام ادامه یافته و معرفی بازارهای عرب در عصر جاهلیت بوده‌است. پنج اثر دیگر از ابن کلبی با عناوین *اصحاب الکهف*، *ملوک کنده*، *ملوک یمن*، *صنائع قریش*، *حکام العرب* (همانجا) نیز به احتمال از منابع ابن حبیب در معرفی اسامی پادشاهان کنده، حمیر، حیره، غَسَّان و معرفی اسامی اصحاب کُهف بوده و لازم به ذکر است که ابن حبیب اسامی اصحاب کُهف و اسامی ملوک حمیر را به نقل از ابن کلبی آورده است (ابن حبیب، *المحبر*، ۳۵۶، ۳۶۴).

به‌رغم مفقود بودن بسیاری از این تألیفات، مشابهت عناوین آثار ابن کلبی با موضوعات *المحبر* حاکی از آن است که ابن حبیب در نگارش *المحبر* به جای پرداختن

۱. نخستین بار در *المُحَبَّر* از بت «*منطبق*» سخن گفته شده و بعدها در *جُمُهرَة الأَنساب* العرب اثر ابن حزم اندلسی (۴۹۴) نام این بت به صورت «*المنطبق*» ضبط شده‌است.

۲. نام تمامی این بت‌ها نخستین بار در *المُحَبَّر* و بی‌ضبط حرکت آمده و در اینجا حرکت‌گذاری بت‌ها بر مبنای *جُمُهرَة أَنساب العرب* تألیف ابن حزم اندلسی (۴۹۳-۴۹۴) صورت گرفته است.

به جزئیات وقایع، با کنار نهادن محدودیت‌های الگوی اهل حدیث در نقل اخبار، نظیر حذف سلسله اسناد و تکیه بر ذکر شماری از نام‌ها، تمامی آثار نگاشته شده در خصوص تاریخ و فرهنگ عرب در جاهلیت و اسلام را در مجموعه واحدی گرد آورده است.

تدوین آثاری مستقل در موضوعات گوناگون با محوریت زنان مورد توجه مشایخ و هم‌عصران ابن حبیب بوده؛ از این رو ابن حبیب نیز به موضوع زنان توجه کرده و درصد قابل ملاحظه‌ای از موضوعات/المحبر به زنان اختصاص یافته است. انواع ازدواج‌های عرب، زنان مشهور قریش، همسران پیامبر، مادران پیامبر و مادران خلفاء عنوانین آثاری از ابن کلبی است (ابن ندیم، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳) که مشابه با موضوعات/المحبر است. این آثار در دست نیست با این حال از قرآینی پیدا است که ابن حبیب از آنها بهره برده است؛ برای نمونه ابن سعد (متوفای ۲۳۰) در الطبقات ذیل نام ام‌هانی روایتی را از ابن کلبی نقل قول کرده (ابن سعد، ۱۴۶/۱۰) که ابن حبیب نیز ذیل معرفی ام‌هانی همان روایت را بی ذکر منبع نقل کرده است (ابن حبیب،/المحبر، ۹۷-۹۸).

از دیگر مشایخ ابن حبیب که صاحب اثری درباره زنان بوده ابو عبیده معمر بن مثنی (متوفای ۲۰۹) است. او در تسمیة/ازواج النبی ۱۶ تن از همسران پیامبر ﷺ را معرفی کرده است. ابن حبیب تمامی آن اسامی را در/المحبر آورده، با این حال بر آن فهرست ۱۰ تن دیگر را افزوده است. از این رو ترتیب ازدواج‌های پیامبر ﷺ نیز در دو اثر متفاوت‌اند (معمر بن مثنی، تسمیة/ازواج النبی، ۲۴۱-۲۷۹؛ ابن حبیب،/المحبر، ۷۷-۹۹).

ابن حبیب افزون بر آثار مشایخ خود به تألیفات هم‌عصرانش نیز توجه کرده و یک بار در/المحبر ذیل عنوان اسامی دختران و دامادهای پیامبر ﷺ و خلفا، روایت مدائنی را در باب ام‌کلثوم نقل کرده است: «ام‌کلثوم دختر علی بن ابی طالب با عمر بن خطاب ازدواج کرد. ام‌کلثوم بعد از وی با عون بن عبدالله بن جعفر ازدواج کرد، اما مدائنی نوشته او بعد از عمر با محمد بن جعفر و سپس با عون بن عبدالله ازدواج کرده است» (ابن حبیب،/المحبر، ۵۳).

مدائنی آثاری در باب زنان در موضوعات گوناگون تدوین کرده و ابن ندیم ذیل

عنوان آثار مدائنی در اخبار همسران اشراف و اخبار زنان، سی و یک اثر از او نام برده که از آن میان زنان مشهور قریش، همسران پیامبر، مادران پیامبر، جدات پیامبر که فاطمه نام داشتند و زنانی از قریش که بیش از سه بار ازدواج کرده‌اند (ابن ندیم، ۱۴۷، ۱۴۹)، مشابه موضوعات المحبر است. از آثار مدائنی جز رساله‌ای با عنوان المردفات^۱ مین قریش در دست نیست.

المردفات در معرفی ۲۸ تن از زنانی است که بیش از سه بار ازدواج کرده‌اند. ابن حبیب در المَحْبَر به معرفی ۷۶ تن از این زنان پرداخته که ۱۹ اسم در این دو اثر مشترک است. در برخی از مشترکات نیز اسامی همسران، ترتیب ازدواج‌ها و شمار همسران متفاوت است (ابن حبیب، المحبر، ۴۳۵-۴۵۵؛ مدائنی، ۵۹-۸۰).

ازدواج‌های سکینه دختر حسین بن علی مورد توجه اکثر مورخان بوده است. در معرفی همسران سکینه و ترتیب ازدواج‌های او نظرات متفاوت‌اند. برای نمونه ابویقظان: «مُصَعَّب بن زُبَیر، عبدالله بن عثمان، أَصْبَغ بن عبدالعزیز، زید بن عمر بن عثمان»، هیثم بن عدی: «عمرو بن حکیم بن حزام، عمرو بن عثمان، مصعب بن زبیر» و ابن کلبی: «أَصْبَغ بن عبدالعزیز، زید بن عمر بن عثمان، مُصَعَّب بن زُبَیر، عبدالله بن عثمان، ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف» (ابن قتیبه، ۴۳۵-۴۵۵) را در شمار همسران سکینه معرفی کرده‌اند. در نتیجه با سه روایت مختلف در یک موضوع مواجهیم که تنها نام یک تن یعنی مُصَعَّب بن زُبَیر در تمامی لیست‌ها مشترک است.

بدین ترتیب ذکر منبع فهرست‌های عرضه شده الزاما به منزله تأکید در صحت محتوای آنها نیست؛ بلکه بیش از همه حاکی از تفاوت دیدگاه مورخان در موضوعی واحد است. از این رو ابن حبیب نه تنها خود را ملزم به ذکر اسانید ندانسته؛ بلکه با حذف اسنادها و مقایسه و تطبیق میان اسامی، کامل‌ترین فهرست را عرضه کرده و عبدالله بن حسن بن علی، مُصَعَّب بن زُبَیر، عبدالملک بن مروان، عبدالله بن عثمان،

۱. مُردفات از ریشه رَدَف به معنای جانشین شدن و مُردفات زنانی‌اند که بعد از طلاق/مرگ همسرشان مجدداً ازدواج کرده‌اند (ابن منظور، ۱۱۵/۹).

أَصْبَغ بن عبدالعزيز، زید بن عمر بن عثمان، ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف را در شمار همسران سکینه معرفی کرده است (ابن حبیب، *المحبر*، ۴۳۸).

مشابهت عناوین آثار ابن کلبی، ابو عبیده معمر بن مثنی و مدائنی با موضوعات *المحبر* در باب زنان حاکی از آن است که پرداختن به مسائل زنان در موضوعات مختلف در قرن دوم و سوم هجری رایج بوده، اما یافته ما از مقایسه آثار موجود از این مؤلفان با متن *المحبر* گویای آن است که از نظر محتوا تفاوت‌هایی میان داده‌های هر یک از آثار دیده می‌شود و اغلب ابن حبیب ذیل هر موضوع اسامی بیشتری معرفی کرده و در مواردی ترتیب و توالی داده‌های افراد نیز با آثار دیگران تفاوت دارد.

فارغ از این که عناوین موضوعات *المحبر* ابتکار ابن حبیب باشد یا نباشد و نیز مؤلف، تک‌نگاشت‌ها و آثار دیگران را در اثر خویش گردآورده و بر داده‌های ایشان افزوده باشد؛ باید به یک نکته توجه کرد که تدوین اثری مستقل در موضوعات گوناگون تاریخی و اجتماعی به شیوه تسمیه‌نگارانه پیش از تدوین *المحبر* رایج بود؛ چنان که *الدیباج* از ابو عبیده معمر بن مثنی (متوفای ۲۰۸) شاهدی بر این مدعا است. با این حال تنوع موضوعات *المحبر* گسترده‌تر از *الدیباج* است.

ابن حبیب در ۱۷۵ عنوان اصلی به موضوعاتی در سیره‌نگاری، تراجم‌نگاری صحابه، تبارنگاری، تاریخ‌نگاری زنان، تاریخ‌نگاری خلفاء، مثالب‌نگاری، مناقب‌نگاری و موضوعاتی در آداب و رسوم عرب پرداخته و حال آن که ابو عبیده در ۴۷ عنوان به موضوعاتی در باب برجسته‌ترین شاعران، اسامی مثنی، مثالب، مفاخرات، مناقب و اسامی قبایل شرکت کننده در حلف‌ها توجه داشته است. او در تدوین این رساله چنان که خود در مقدمه آورده با عنایت به روش معمول در عکاظ ۳ تن از مشهورترین افراد هر گروه را برگزیده و اخبار و روایات مربوط به آنان را گردآوری کرده است. نتیجه مقایسه میان دو اثر حاکی از آن است که بیست عنوان با موضوعات *المحبر* مشترک و تعداد اسامی مذکور ذیل هر یک از موضوعات *المحبر* مفصل‌تر از *الدیباج* است. موضوعات مشترک میان *الدیباج* با *المحبر* این‌هاست: بخشندگان عرب در جاهلیت در *الدیباج* سه و در *المحبر* ۳۰ نفر؛ بخشندگان عرب در اسلام در *الدیباج* هفت و در

المحبر ۳۶ نفر؛ وفاداران عرب در الدیباچ سه و در المحبر ۱۰ نفر؛ نجیب‌زادگان عرب در الدیباچ سه و در المحبر ۳۰ نفر؛ جمرات عرب در الدیباچ سه و در المحبر چهار قبیله؛ حاکمان عرب در الدیباچ سه و در المحبر ۳۶ نفر؛ جماجم عرب در الدیباچ چهار و در المحبر چهار قبیله؛ نیرنگ‌زندگان عرب در الدیباچ سه و در المحبر پنج نفر؛ شمار افرادی از یک قبیله یا قبایلی مختلف که ربیعة، قریع و ضبیعة نام داشته‌اند در دو اثر مشابه است؛ زیرکان عرب در الدیباچ هفت و در المحبر شش نفر؛ شمار کسانی از عرب که قتل بسیار مرتکب شده‌اند در دو اثر مشابه است (معمر بن مثنی، الدیباچ، ۲۳، ۳۰، ۴۶، ۷۴، ۷۷، ۱۰۱، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳؛ ابن حبیب، المحبر، ۱۳۷، ۱۴۶، ۳۴۸، ۴۵۵، ۲۲۴، ۱۳۲، ۲۲۴، ۲۴۴، ۲۳۵، ۱۸۴، ۱۸۹).

بدین ترتیب اگرچه اغلب موضوعاتی که در المحبر آمده پیش‌تر به صورت رساله‌ای مستقل و یا بخش‌هایی از یک اثر توسط مؤلفان دیگر تدوین شده، اما از نظر محتوا معمولاً اطلاعات المحبر کامل‌تر و به سامان‌تر عرضه شده‌است. دلیل شهرت المحبر گردآوری موضوعات بیشتر و ارائه فهرست طولانی‌تری از اسامی نسبت به آثار سایرین است و به نوشته رابینسون (ص ۱۳۷)، در سستی علمی که دانش انباشت شده را حرمت می‌نهاد، فهرست‌نویسی مفهوم مطلوبی داشت. همان‌گونه که محدثان غالباً به شمار حادثی که حفظ کرده بودند می‌بالیدند، بخشی از جذابیت فهرست‌نویسی نیز در خودنمایی به آن بوده و هرچه فهرست‌ها بیش‌تر و طولانی‌تر، مهارت و دانش دارنده آن بیش‌تر بوده‌است.

منابع آثار دیگر ابن حبیب

از میان آثار به جای مانده از ابن حبیب جز دو اثر مشهورش یعنی المحبر و المنمق تألیفات دیگر ایشان مانند مَنْ نُسِبَ إِلَى أُمِّهِ مِنَ الشُّعْرَاءِ، اَسْمَاءُ الْمُعْتَالِينَ وَ مُخْتَلِفُ الْقَبَائِلِ وَ مُؤْتَلَفُهَا، كُنَى الشُّعْرَاءِ وَ مَنْ غَلَبَتْ كُنْيَتُهُ عَلَى اسْمِهِ وَ الْقَابُ الشُّعْرَاءِ وَ مَنْ يُعْرِفُ مِنْهُمْ بِأُمِّهِ نیز حاوی مواد تاریخی‌اند که به صورت رسائلی کوچک در قالب شماری از نام‌ها عرضه شده‌اند. با این همه شناخت منابع ابن حبیب در تدوین آنها از

منظر بررسی اعتبار داده‌ها و میزان ابتکارات وی درخور توجه است.

مَنْ نُسِبَ إِلَى أُمِّهِ مِنَ الشُّعْرَاءِ ابْن حَبِيبِ نَخْسْتِينَ اثر به جای مانده در این موضوع است. در این کتاب تنها در یک مورد و ذیل نام ابن الحُدَّادِیَّة از ابن الاعرابی نقل قول شده است (ابن حبيب، مَنْ نُسِبَ إِلَى أُمِّهِ مِنَ الشُّعْرَاءِ، ۸۷-۸۸). پیش از ابن حبيب در معرفی اسامی افرادی که منسوب به مادران‌شان بوده‌اند، ابن اعرابی (متوفای ۲۳۱) و مدائنی (متوفای ۲۲۵) آثاری با عنوان مَنْ نُسِبَ إِلَى أُمِّهِ مِنَ الشُّعْرَاءِ تألیف کرده بودند (یاقوت حموی، ۱۸۵۲؛ ابن ندیم، ۱۵۱). یاقوت در مُعْجَمُ الْأَدْبَاء آورده است که مَنْ نُسِبَ إِلَى أُمِّهِ مِنَ الشُّعْرَاءِ از ابن اعرابی را در ری به خط علی بن هلال دیده که مشتمل بر نام پنجاه شاعر است (یاقوت حموی، ۲۰۰۱).

اگرچه مقایسه محتوای آثار مذکور ممکن نیست، اما به نظر می‌رسد منبع عمده ابن حبيب اثر ابن اعرابی باشد؛ زیرا صرفاً به او ارجاع داده و نیز در اخبار شاعران، آثار ابن اعرابی همواره مورد توجه ابن حبيب بوده است. برای نمونه هر آنچه مرزبانی (متوفای ۳۸۴) در الْمُؤَشَّحْ به نقل از ابن حبيب آورده به روایت از ابن اعرابی است (مرزبانی، الْمُؤَشَّحْ، ۲۹۱، ۲۵۴-۲۵۵). در یک مورد نیز ابن حبيب بی‌ذکر منبع اشعاری از مائة الإیادی نقل کرده که بعدها مرزبانی در مُعْجَمُ الشُّعْرَاءِ آن اشعار را به روایت محمد بن حبيب از ابن اعرابی آورده است (ابن حبيب، المحبر، ۱۴۵؛ مرزبانی، مُعْجَمُ الشُّعْرَاءِ، ۵۰۹-۵۱۰).

دلایلی بر این نظر است که ابن حبيب در تألیف مَنْ نُسِبَ إِلَى أُمِّهِ مِنَ الشُّعْرَاءِ از جَمَهْرَةُ النَّسَبِ ابن کلبی بهره بسیار برده (Della Vida, 160)؛ اما مقایسه دو اثر حاکی از آن است که از ۳۹ شاعر مذکور در مَنْ نُسِبَ إِلَى أُمِّهِ مِنَ الشُّعْرَاءِ تنها اسامی عتیبة بن مرداس، ابن ذُبَّیَّة، بَشَّامَةُ بن الغَدیر و ابن امَّجَزَّة با جَمَهْرَةُ النَّسَبِ مشترک است که در این موارد نیز از نظر لفظ و معنا متفاوت از هم‌اند. برای نمونه ابن کلبی در جَمَهْرَةُ النَّسَبِ در باب عتیبة بن مرداس کعبی پس از معرفی شاعر به شرح واقعه تاریخی مهم در باب وی پرداخته؛ اما ابن حبيب پس از معرفی عتیبة به چرایی منسوب شدن وی به ابن فسوة اشاره کرده است (ابن کلبی، ۲۶۰؛ ابن حبيب، ۸۹/۱).

دیگر آثار ابن حبیب به *جز القاب الشعراء* در شمار تألیفات ابتکارات وی هستند. پیش از ابن حبیب اثری با عنوان *اسماء المعتالین* نگاشته نشده و داده‌های آن با دیگر تألیفات موجود از ابن حبیب و هم‌عصرانش شباهتی ندارد؛ جز در دو مورد، یکی در ماجرای قتل عبدالرحمن بن خالد بن ولید و دیگری در شرح کشته شدن ابوزیهر الدؤسی که مشابه *المنمق* است (ابن حبیب، *اسماء المعتالین*، ۱۶۴، ۱۴۹؛ همو، *المنمق*، ۱۹۹-۲۱۱، ۳۶۰-۳۶۳).

در *مُخْتَلَفُ الْقَبَائِلِ* و *مُؤْتَلَفُهَا* نیز تنها چهار بار به دیگران ارجاع داده شده که از این میان یک بار ابوعبیده معمر بن مثنی، یک بار کلبی و دو بار ابن اعرابی منبع اطلاعات ابن حبیب‌اند (ابن حبیب، *مُخْتَلَفُ الْقَبَائِلِ*، ۲۵، ۲۶، ۵۸، ۸۸). *مُخْتَلَفُ الْقَبَائِلِ* و *مُؤْتَلَفُهَا* از ابن حبیب نخستین اثر در این نوع نام‌نگاری است که به دست رسیده و معلوم نیست پیش از ابن حبیب اثری با این عنوان تدوین شده باشد.

افزون بر این‌ها، شناسایی منابع ابن حبیب در تدوین دو اثر دیگرش با عناوین *کُنَى الشعراء* و *مَنْ غَلَبَتْ كُنْيَتُهُ عَلَى اسْمِهِ وَ الْقَابُ الشعراء* و *مَنْ يَعْرِفُ مِنْهُمْ بِأَمِّهِ* دشوار است؛ زیرا در معرفی القاب شاعران پیش از او صرفاً حسن بن عثمان الزیادی (متوفای ۲۴۳) اثری با عنوان *القاب الشعراء* تألیف کرده (ابن ندیم، ۱۷۶) و داده‌های *کُنَى الشعراء* شباهتی با تألیفات مشایخ وی ندارد؛ بدین سبب احتمالاً نگارش *کُنَى الشعراء* نیز از ابتکارات ابن حبیب باشد.

نتیجه

ابن حبیب در تألیف آثارش خصوصاً *المُجَبَّر* و *الْمُنَمَّق* وامدار و متأثر از تک‌نگاشت‌های مشایخ و هم‌عصرانش است. با این همه او در پی گردآوری آثار و اخبار عربی در مجموعه‌ای واحد بود. بدین منظور با کنار نهادن الگوی اهل حدیث در نقل اخبار نظیر تساهل در ذکر اسنادها، ایجاز داده‌ها و عرضه صرف نام شماری از افراد در موضوعات گوناگون، آثار مستقلی در تاریخ اجتماعی و فرهنگی عرب جاهلی و صدر اسلام پدید آورده است. افزون بر این آثار او از تألیفات معاصرانش متمایز است.

نخست این که او ناقل صرف نبوده بلکه با مقایسه، ترکیب، تکمیل و گاه اصلاح داده‌های دیگران بر غنای آثارش افزوده است و دیگر آن که بسیاری از تکنگاشت‌هایی که مایه و پایه تدوین *المُحَبَّر*، *المُنَمَّق* و *مَنْ نُسِبَ إِلَى أُمِّهِ مِنَ الشُّعْرَاءِ* بوده‌اند و امروزه در دست نیستند. از این رو چنین اطلاعات ارزشمندی را تنها در آثار ابن حبيب می‌توان یافت. ضمن این که ابن حبيب افزون بر تألیف و گردآوری، تکنگاشت‌هایی را تصنیف کرده که از نوآوری تهی نیست و آثاری با عناوین *اسماء المغتالین*، *مختلف القبائل* و *مؤتلفها*، *كُنَى الشُّعْرَاءِ* و *مَنْ عَلَبَتْ كُنْيَتَهُ عَلَى إِسْمِهِ* از تألیفات ابداعی او هستند.

- جاحظ، الثرسان و الغرجان و العُميان و الخولان و كتاب الهيثم بن عدي، تحقيق عبدالسلام هارون، بيروت، دارالجيل، ١٩٩٠م.
- رابينسون، چيس اف، تاريخ نگاری اسلامي، ترجمه محسن الويري، تهران، سمت، ١٣٩٢ش.
- روزنتال، فرانتس، تاريخ تاريخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوي، ١٣٦٨ش.
- عبد المشالي، علي، «ابن حبيب بغدادی (ت ٢٤٥) دراسة في منهجه و موارد كتاب المنمق مثالا»، القادسيه، المجلد السادس، العدد ١، ٢٠١٦م.
- مدائني، ابوالحسن علي بن محمد، المُرَدِفَاتُ مِن قَرِيش، نوادر المخطوطات، تحقيق عبدالسلام هارون، قاهره، مطبعة لَجَنَةِ التَّأْلِيفِ و الترجمة و النشر، ١٣٧٠.
- مرزباني، ابو عبيدالله محمد بن عمران، معجم الشعراء، تحقيق عبدالستار احمد فراج، منشورات مكتبة النوري، ٢٠١٤م.
- _____، الموشح في مآخذ العلماء على الشعراء، تحقيق محمد حسين شمس الدين، دارالكتب العلمية، ١٤١٥.
- معمر بن مثنى، ابو عبيده، تَسْمِيَةُ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَمَ و اولاده، تحقيق نهاد الموسى، «مجلة معهد المخطوطات العربية»، مج ١٣، ج ٢، ١٩٦٧م.
- _____، أَيَّامُ الْعَرَبِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ، تحقيق عادل جاسم البياتي، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٧.
- _____، الدِّيَّاج، تحقيق عبدالله بن سليمان، قاهره، مكتبة الخانجي، ١٩٩١م.
- ياقوت حموي، مُعْجَمُ الْأَدْبَاءِ أَوْ إِرْشَادُ الْأَرِيبِ إِلَى مَعْرِفَةِ الْأَدِيبِ، تحقيق احسان عباس، بيروت، دارالغرب الاسلامي، ١٩٩٣م.
- Bray, julia, "lists and memory ibn qutayba and muhammad b. habib", *Culture and Memory in Medieval Islam*, the Institute of Ismaili Studies, London, ٢٠٠٣.
- Della Vida, G. Levi, "Muhammad ibn Habibs "MATRONYMICS OF POETS"", *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 62. No.3, pp.156-171, 1942.
- Lichtenstadter, Ilse, "Muhammad ibn habib and his *kitab al-muhabbar*", *Journal of the royal Asiatic Society of Great Britian and Irland*, No.1,jan , pp.1-27, 1939.